



همتایی عید غدیر و شب قدر

در عبارت من کنت مولاہ سخن از وصایت نیست، سخن از علم نیست؛ سخن از ولایت است و مدیریت.

آیت الله جوادی آملی

در عبارت من کنت مولاہ سخن از وصایت نیست، سخن از علم نیست؛ سخن از ولایت است و مدیریت. با دو تا 171؛ الیوم را این آیه بدرقه شده است: الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم دینکم، چرا؟ چون دین بدون مسئول، بدون مجری، بدون سرپرست، بدون حاکم، نوشته ای روی ورق است، قرآن بدون مبین، بدون مجری، بدون حاکم، بدون والی یک سلسله علمی است نوشته روی اوراق؛ اینکه مشکل جامعه را حل نمی کند! اینکه باعث یأس کفار و دشمنان نیست!

این اسلامی که مجری دارد، مبین دارد، والی دارد، مولا دارد، اولی ب الناس دارد؛ این دین خدا پسند، دینی است که در ولایت باشد. این: رضیت لکم السلام دیناً (1)، یعنی (دین خدا پسند). پس معلوم می شود صرف قرآن، خدا پسند نیست، قرآن مع الع تره خدا پسند است. آنکه گفت: حسبنّا ک تاب الله (2)، دین خدا پسند ندارد! چون رضیت لکم السلام دیناً. این اسلامی که با ولایت کامل و تمام شده است. چون کامل شد، تام شد؛ الیوم یئس الذین کفروا من دینکم.

مشکل (اجرایی) کفار با مکتب اسلام

کفار با قرآن کریم مشکلات علمی نداشتند! کفار مشکلات اجرایی داشتند با قرآن کریم. آنها حق برایشان روشن بود، معجزه برایشان روشن بود. وجود مبارک حضرت امیر (ع) در پایان خطبه قاصعه می فرماید: من در خدمت پیامبر بودم، بزرگان قریش آمدند، گفتند: اگر معجزه ای بیاوری، ما ایمان می آوریم. حضرت فرمود: چه کنم؟ عرض کردند: اگر این درختی که آنجاست به دستور تو دو نیم بشود؛ نیمی بیاورد، نیمی بماند؛ ما ایمان می آوریم. حضرت امیر فرمود: من دیدم به دستور پیامبر این درخت دو نیم شد؛ نیمی ماند، نیمی آمد؛ باز اینها ایمان نیاوردند! عرض کردند: اگر این نیم جلوتر بیاید و آن نیم قبلی هم از جا کنده بشود، بیاید به تو نزدیک بشود؛ ما ایمان می آوریم. حضرت این کار را کرد، ولی ایمان نیاوردند! باز عرض کردند: اگر این درخت دو نیم شده متصل بشود، به حالت اول در آید، به سر جای خودش برگردد، در همان مغرس خودش فرو برود، ما ایمان می آوریم؛ همین کار را هم حضرت کرد، ولی ایمان نیاوردند.

اینها یک معجزاتی نیست که ناسخ التواریخ یا بیهقی نقل کرده باشد! این را علی بن ایطالب در خطبه قاصعه در نهج البلاغه به صورت شفاف بیان کرده، قدم به قدمش را توضیح داد. فرمود: این معجزه است. این معجزات را اینها دیدند و ایمان نیاوردند! پس مشکل علمی ندارند، مشکل اعتقادی و اخلاقی و حقوقی ندارند؛ مشکل ولایت و حکومت و تدبیر و سیاست دارند. با آمدن کسی که جای پیغمبر را می تواند به خوبی پر کند، کفار نا امید می شوند: الیوم یئس الذین کفروا من دینکم.

وقتی انقلاب بود، اینها فکر می کردند شورش کور است؛ وقتی شاه از بین رفت، دیگری چون جای او را پر نمی کند، باز همین آمریکا و همان اسرائیل و همان شوروی سابق حضور پیدا می کنند. دیدند نشد؛ یک کسی آمد! بعد از رحلت امام خیال کردند مردم واقفی می شوند در ولایت فقیه، دیدند نشد! نه مردم در ولایت فقیه واقفیه شدند، نه با رحلت امام مشکلی پیش آمد. آنکه کشور را حفظ می کند ولایت است، مدیریت است.

وظیفه ما در عید سعید غدیر

بنابراین محور اصلی روز غدیر 171؛ ولایت را است؛ نه مسأله وصایت و عالم غیب بودن و امثال ذلك! این در این روز پر برکت نازل شده است و ما را گفتند: در این روز غدیر که عید اکبر ماست، عید الله الاکبر است؛ وقتی به یکدیگر رسیدید، عقد اخوت

بخوانید که نموداری از اتحاد ملی و انسجام اسلامی است و بگوئید: الحمد لله الذي جعلني من المتمسكين بولايه علي بن أبي طالب و الائمه الهداه المهديين(3). اینها مجریان حدود الهی اند، اینها کسانی اند که قرآن را به خوبی می فهمند، به خوبی عمل می کنند، به خوبی اجراء می کنند.

در پایان خطبه قاصعه وجود مبارك حضرت امير تقريباً 10 فضيلت براي خودش ذكر مي كند. فرمود: من جزء كساني ام كه سيمايشان سيماي صديقين است، به ما نقد نمي چسبد؛ نه نقد حق، نه نقد باطل! اما نقد حق به ما نمي چسبد، چون ما كار باطلاي نداريم. نقد باطل به ما نمي چسبد، ما همه اينها را تحمل مي كنيم: نبي لمن قوم لا تأخذه في الله لومه لائى م، سيماهم س يما الصديقين و كلامهم كلام الابرار(4). اينها عمّار اللّ يل اند، منار التّهارند(5)، اسد ب التّهارند، رهبان ب اللّ يل اند(6)؛ شب اهل نماز شبند، روز سلحشور ميدان نبردند؛ من جزء اين قومم كه كلام آنها كلام صديقين است.

همتايب عيد غدیر و شب قدر، محصول همتايب قرآن و عترت

بنابراین مسأله عيد غدیر كه براي ما يك مسأله رسمي و عيد اكبر ماست، براي آن است كه قرآن يك مجري پيدا كرده؛ دين يك ضامن و يك والي و يك مولا پيدا كرده: التّبيّ اولي ب المؤمنين م ن انفس ه م و وجود مبارك پيامبر هم فرمود: هر كسي من مولاي اويم، وجود مبارك علي بن أبيطالب مولاي اوست؛ اين را هم بر اساس: يا أيّها الرّسول بلّغ ما انزل ل يك فرمود. نه اينكه خودش فرموده باشد. از اين بيان روشن مي شود كه 171#& عيد غدیر؛ همتاي (شب قدر) است. در شب قدر قرآن آمد، در روز عيد غدیر ولايت آمد؛ اگر ك تاب الله و عترت لن يفترقا هستند، دو حقيقت هماهنگ هستند، چيزي در قرآن نيست كه ولي نداشته باشد، چيزي ولي ندارد كه قرآن فاقد آن باشد و لا افترقا؛ پس همان حقيقت تا انزلناه في ليله القدر(7) در يا أيّها الرّسول بلّغ ما انزل ل يك م ن ربّك آمده است.

بنابراین همانطوري كه بوسيدن و بوئيدن قرآن جزء مراحل ابتدائي عبادت است؛ خواندن قرآن و بحث قرآن و تفسير قرآن جزء عبادات است، عمل به قرآن جزء وظائف است؛ درباره ولايت و بررسي امامت و شيوه امامت و اصول امامت نيز همين مساله صدق مي كند!

بيانات حضرت آيت الله جوادي آملّي (دامت برکاته) به مناسبت عيد سعيد غدیر خم در جمع طلاب، فضلاء، دانشجويان و اقشار مختلف مردم - قم؛ دفتر مقام معظم رهبري - دي 1386